

Original Article

An Evaluation of the Role of the Reciprocity Requirement in the Recognition and Enforcement of Iranian Court Judgments

Mohsen Izanloo¹ , Maryam Donyayi^{*2} 

¹ Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

² PhD student in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.



[10.22080/lps.2025.28108.1685](https://doi.org/10.22080/lps.2025.28108.1685)

Received:

November 29, 2024

Accepted:

March 27, 2025

Available online:

March 11, 2026

Keywords:

Reciprocity,
Recognition,
Enforcement, Foreign
Judgments, Private
International Law

Abstract

Countries that prioritize the enforcement of their judgments in foreign jurisdictions often employ various strategies to encourage other countries to enforce their judgments. One such method is the inclusion of reciprocity clauses in laws governing the recognition and enforcement of foreign judgments, as exemplified by Article 169 of the Iranian Civil Execution Act. While this approach is common in many countries, including Germany, China, and Russia, a descriptive-analytical and comparative approach examines the potential effectiveness of this legal mechanism in achieving the aforementioned objective. The findings indicate that incorporating a reciprocity requirement into domestic laws is unlikely to be sufficient to enhance respect among foreign countries for judgments issued by Iranian courts. Not only does this requirement entail substantial costs, but historical examples in which it has influenced other nations' approaches to the recognition and enforcement of foreign judgments are exceedingly rare and exceptional. Consequently, it appears that restricting the scope of the reciprocity requirement and adopting a narrow judicial interpretation—coupled with a presumption of reciprocity and, generally, a liberal attitude toward recognizing and enforcing foreign judgments—could serve as a reasonable and effective strategy. Such an approach would signal the national legal system's willingness to accept and enforce foreign judgments, thereby strengthening international engagement in this area. Furthermore, concluding bilateral or multilateral treaties with other states—aimed at judicial cooperation and reciprocal enforcement of judgments—represents another promising avenue for enhancing the recognition of Iranian judgments abroad.

***Corresponding Author:** Maryam Donyayi

Address: University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: maryamdonyayi@gmail.com



Extended Abstract

1. Introduction

In many legal systems, including Iran's, the "reciprocity requirement" is recognized as a fundamental condition for the recognition and enforcement of foreign judgments. According to Article 169(1) of the Iranian Civil Execution Act, Iranian courts will enforce a foreign judgment only if the originating state similarly recognizes judgments issued by Iranian courts. However, empirical evidence shows that the effectiveness of this requirement in compelling other jurisdictions to recognize and enforce Iranian judgments remains limited. In some cases, it even impedes transnational commercial and judicial cooperation. This study examines the functionality of the reciprocity requirement in Iranian law and highlights the need to adjust or supplement it through bilateral or multilateral treaties.

2. Methodology

This research employs a descriptive-analytical approach, utilizing comparative analysis. The necessary information and documents were collected through a literature review, which involved consulting up-to-date books and scholarly articles.

3. Results

The findings reveal that embedding a strict reciprocity clause in domestic legislation does not necessarily lead to a change in foreign jurisdictions' approaches. On the contrary, it often introduces complexities in proving or disproving reciprocity, prolongs litigation processes, and undermines the confidence of foreign investors and economic actors. Conversely, completely eliminating the reciprocity requirement may weaken

Iran's capacity to retaliate against states that systematically refuse to recognize Iranian judgments. Therefore, a balanced approach—namely, narrowing the application of the reciprocity condition and presuming its existence unless clear discrimination or a blanket refusal is evident—preserves national sovereignty while facilitating judicial and commercial exchanges. Moreover, experiences from other legal systems confirm that a more effective strategy involves acceding to multilateral instruments (such as the 2019 Hague Convention) or entering into bilateral judicial cooperation agreements, which establish binding frameworks for the mutual recognition and enforcement of judgments.

4. Conclusion

Overall, the study concludes that the reciprocity requirement, in its stringent form, exerts minimal influence in persuading foreign states, and its costs often outweigh its benefits. Consequently, Iranian courts are advised to presume reciprocity and enforce foreign judgments except in cases of systematic discrimination. Additionally, joining international conventions and concluding bilateral treaties can significantly enhance the global enforceability of Iranian court decisions.

Funding

There is no funding support available.

Authors' Contributions

The authors contributed equally to the conceptualization and writing of the article. All authors approved the manuscript's content and agreed on all aspects of the work.

Conflict of Interest

The authors declare no conflicts of interest.

علمی پژوهشی

ارزیابی کارکرد شرط رفتار متقابل در شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق ایران؛ با تأکید بر امکان و روش‌های تعدیل آن

محسن ایزانلو^۱ ID، مریم دنیایی^۲ ID

^۱ دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
^۲ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.



[10.22080/lps.2025.28108.1685](https://doi.org/10.22080/lps.2025.28108.1685)

چکیده

کشورهایی که به سرنوشت احکام صادره از دادگاه‌های خود در خارج از مرزهای حاکمیتشان اهمیت می‌دهند، جهت اعمال فشار یا ایجاد انگیزه برای سایر کشورها در جهت اجرای این احکام از روش‌های متفاوتی استفاده می‌کنند که نمونه‌ی آن درج شرط رفتار متقابل در قوانین مربوط به شناسایی و اجرای آرای خارجی است؛ راهی که قانون‌گذار ایران در ذیل بند ۱ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی در پیش گرفته و در حقوق بسیاری از کشورها همچون آلمان، چین و روسیه مشاهده می‌شود. در این مقاله سعی شده احتمال اثربخش بودن این ابزار قانونی در دستیابی به هدف پیش‌گفته، به روش توصیفی-تحلیلی و با نگاه تطبیقی، مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از شرط رفتار متقابل در قوانین ملی نمی‌تواند در جهت افزایش احترام کشورهای خارجی نسبت به احکام صادره از دادگاه‌های ایران کافی باشد؛ اعمال این شرط هزینه‌های قابل‌توجهی به همراه دارد و نمونه‌های تاریخی تأثیرگذاری آن بر رویکرد سایر کشورها نسبت به شناسایی و اجرای احکام خارجی بسیار نادر و به صورت، استثنایی بوده است. از این رو به نظر می‌رسد محدود ساختن دامنه اعمال شرط رفتار متقابل و ارائه تفسیر مضیق از آن توسط قضات، همراه با فرض وجود رفتار متقابل و به طور کلی، اتخاذ رویکردی سهل‌گیرانه نسبت به شناسایی و اجرای آرای خارجی، می‌تواند به‌عنوان رویکردی معقول و کارآمد در جهت اعلام تمایل نظام حقوقی کشور نسبت به پذیرش و اجرای آرای خارجی و تقویت تعاملات بین‌المللی در این زمینه مورد توجه قرار گیرد. همچنین انعقاد معاهدات دو یا چندجانبه با دولت‌های دیگر در راستای همکاری قضایی و اجرای متقابل احکام، روش مطلوب دیگری جهت ارتقای قابلیت شناسایی آرای ایرانی در سایر کشورها است.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳ آذر ۰۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴ فروردین ۰۷

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴ اسفند ۲۰

کلیدواژه‌ها:

رفتار متقابل، شناسایی، اجرا، احکام خارجی، حقوق بین‌الملل خصوصی

* نویسنده مسئول: مریم دنیایی

آدرس: دانشگاه تهران، تهران، ایران.

ایمیل: Maryamdoniyayi@gmail.com



۱ مقدمه

صادره از دادگاه‌های ایران امتناع می‌ورزند- به سوی اجرای این احکام می‌کشاند؟ تا چه اندازه این روش می‌تواند برای نیل به هدف این شرط مؤثر باشد؟ با یافتن پاسخ این سؤالات است که می‌توان دریافت که آیا ضرورتی در درج شرط رفتار متقابل در زمره شرایط اجرای احکام خارجی ذیل ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام بوده‌است یا خیر.

نگاهی گذرا به روند تحولات اخیر در عرصه بین‌المللی بیانگر آن است که با افزایش ارتباطات فرامرزی و شکل‌گیری روابط حقوقی گسترده میان اتباع کشورهای مختلف، دگرگونی در رویکرد سنتی مبتنی بر حاکمیت به رویکردی تجاری در امر قضاوت پدید آمده است. بسیاری از دادگاه‌ها، با هدف نشان دادن امکان اجرای برون‌مرزی آرای خود، تلاش‌های چشمگیری انجام داده‌اند که به‌وضوح اهمیت بالای این موضوع در فضای جدید را می‌رساند (Cuniberti, 2019: 3). قابلیت شناسایی و اجرای احکام صادرة از دادگاه کشوری خاص در سایر کشورها، انگیزه طرفین قرارداد را در این مورد که به عنوان دادگاه مورد توافق در قراردادهای بین‌المللی تعیین شود را بالا می‌برد (Hartley, 2013: 21; Roodt, 2004: 24). علاوه بر آن قابلیت اجرای فرامرزی آرا، ارتباط منطقی با کارایی تجارت بین‌الملل دارد (Hulbert, 2008: 641-56). از این‌رو، نیاز به اخذ تدابیری جهت بالابردن قابلیت اجرای احکام ایرانی در سایر کشورها، بیش‌ازپیش احساس می‌شود. روشن است که این موضوع اطمینان به سیستم حقوقی و اعتبار محاکم ایرانی را در جوامع بین‌المللی بالاتر خواهد برد.

با بررسی پژوهش‌های گذشته مشاهده می‌گردد با وجود نگارش مقالاتی در باب شرط رفتار متقابل

در حقوق بین‌الملل خصوصی به صورت سنتی، همواره بحث در خصوص شناسایی و اجرای احکام خارجی در داخل حوزه قضایی دادگاه ملی بوده و به روی دیگر این سکه، یعنی چگونه اجراء شدن آرای صادرة از دادگاه‌های ملی در سایر کشورها توجه چندانی نمی‌شده‌است. چرا که دولت‌ها فاقد صلاحیت قضایی برای کنترل اجرای احکام خود در قلمرو دولت‌های دیگر می‌باشند (الماسی، ۱۳۸۴: ۲۰۶). اجرای احکام ممکن است نیازمند اجبار دادباخته به انجام تعهد باشد؛ درحالی‌که استفاده از نیروهای دولتی جهت اعمال فشار، در صلاحیت انحصاری حاکمیت محل اجرا قرار دارد و بر اساس قانون دولت متبوع دادگاه، مشخص می‌گردد که آیا حکم خارجی می‌تواند واجد اثر باشد یا خیر (Cuniberti, 2020: 1-2).

از این‌رو، کشورهایی که به سرنوشت احکام دادگاه‌های خود در سایر حوزه‌های قضایی اهمیت می‌دهند، جهت اعمال فشار یا ایجاد انگیزه برای سایر کشورها در جهت اجرای این احکام از روش‌های متفاوتی استفاده می‌کنند. مهم‌ترین استدلال در خصوص درج شرط رفتار متقابل در قوانین مربوط به شناسایی و اجرای آرای خارجی کشورها نیز دستیابی به همین هدف است (Martiny, 1987: 1109; Coyle, 2014: 721). راهی که قانون‌گذار ایرانی در ذیل بند ۱ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ در پیش گرفته است و در حقوق بسیاری از کشورها همچون آمریکا، آلمان،^۲ چین،^۳ روسیه^۴ مشاهده می‌گردد.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که آیا درج شرط رفتار متقابل در قوانین داخلی، کشورهایی را- که در حال حاضر از اجرای احکام

^۳ ماده ۲۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی جمهوری خلق چین
^۴ ماده ۴۰۹ (۲) و مواد پس از آن (همچون مواد ۴۱۲ به بعد) قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی تجاری روسیه

^۱ بخش هفتم قانون نمونه مؤسسه حقوقی آمریکا (ALI) در سال ۲۰۰۶ و هم چنین قوانین برخی ایالت‌ها مانند فلوریدا، تگزاس، ماساچوست، اوهایو و ...
^۲ بند ۵-۱ ماده ۳۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی آلمان

مورد شناسایی و اجرای احکام صادره از دادگاه خارجی^۲ مدنظر قرار دهند، بحث کرده‌اند. یکی از معیارهای پیشنهادی و شاید مهمترین معیار مورد منازعه در خصوص شناسایی احکام خارجی (مقصودی، ۱۴۰۱: ۲۳۱)، رفتار متقابل است که مستلزم اثبات این موضوع است که در صورت برعکس بودن وضعیت، دادگاه صادرکننده، حکم دادگاه کشوری را که درخواست شناسایی و اجرا از آن به عمل آمده است، اجرا خواهد کرد. به بیان ساده‌تر، شرط رفتار متقابل در شناسایی و اجرای آرای خارجی، به این معنی است که حکم صادره از یک دادگاه خارجی تنها در مواردی اجرا می‌شود که حکم دادگاه داخلی نیز در آن حوزه قضایی خارجی اجرا شود (Behr, 1994: 211).

در کنار دلایلی همچون حفظ اقتدار حاکمیت و حمایت از اتباع که در جهت توجیه درج این شرط در قوانین مطرح شده‌است (Martinek, 2017: 5)، یکی از استدلال‌های رایج این است که شرط رفتار متقابل ابزاری برای تشویق سایر دولت‌ها به اجرای احکام دادگاه‌های دولتی است که این شرط را در قوانین خود پیش‌بینی کرده‌اند (Childs, 2006: 53; Martinek, 2017: 221-229؛) برای مثال، با تهدید دولت «ب» مبنی بر اینکه احکام آن ممکن است در کشور «الف» اجرا نشود، اصل عمل متقابل می‌تواند رویه‌های قانونی دولت «ب» را تغییر دهد. از این رو، شرط رفتار متقابل، ابزار فشار و تضمینی در جهت اجرای آرای کشور صادرکننده رأی در سایر کشورها خواهد بود. در همین راستا، طرفداران عمل متقابل تأکید می‌کنند که هدف از درج چنین شرطی، ایجاد انگیزه در سایر کشورها برای پذیرش و اجرای احکام خارجی است.^۳

^۲ «شناسایی» یک حکم از نظر مفهومی از «اجرا» متمایز است؛ منظور از شناسایی احکام خارجی آن است که دادگاه یک کشور حکمی را که مرجع خارجی صادر کرده معتبر تلقی نماید. در مقابل، دادگاه زمانی حکمی را «اجرا» می‌کند که مانند حکم داخلی به آن ترتیب اثر داده و مورد اجرا قرار دهد. (Childs, 2006: 221)

^۳ Hilton v. Guyot, 159 U.S. 113, 114 (1895)

در شناسایی و اجرای آرای خارجی^۱، ارزیابی میزان اثرگذاری این شرط بر رویکرد سایر کشورها در احترام به آرای صادره از دادگاه‌های ایران و تأثیر آن بر منافع اتباع ایرانی، مغفول مانده و میزان کارایی آن در جهت نیل به این هدف مورد ارزیابی قرار نگرفته است. بر این اساس، مقاله حاضر بر آن است تا تأثیر شرط رفتار متقابل و رویکرد حقوق ایران در این زمینه را مورد ارزیابی قرار دهد و به نمونه‌های خارجی برای اثبات یا رد کارایی شرط اشاره می‌شود.

در این راستا، ابتدا به صورت اجمالی به شناخت رفتار متقابل و فلسفه درج این شرط در قوانین و در ادامه به موضوع اثربخشی درج این شرط قانونی در عمل، هزینه‌های ضروری اعمال این شرط، عوامل مؤثر بر تغییر رویه کشورها و سوابق تاریخی آن توجه و در نهایت به ارزیابی موارد پیش‌گفته در حقوق ایران و بیان پیشنهاداتی در خصوص بهبود وضعیت موجود پرداخته می‌شود.

۲ مفهوم و جایگاه شرط رفتار متقابل در حقوق ایران

۲.۱ تعریف و فلسفه درج شرط رفتار متقابل

اصطلاح «رفتار متقابل»، مورد تفاسیر متنوعی قرار گرفته و فاقد یک معنای جهان‌شمول است (Yamauchi, 2007: 147). به بیان کلی، به‌عنوان یک معیار قانونی در خصوص اعطای حقوق و امتیازات در ارتباط با یک دولت خارجی تعریف شده‌است (Garner, 2014: 1298).

محققان مدتی طولانی است که در مورد معیارهایی که کشورها باید هنگام تصمیم‌گیری در

^۱ محسن ایزانلو و روزبه جباری‌زاده، «رفتار متقابل به عنوان شرط اجرای احکام خارجی: مطالعه در حقوق بین الملل خصوصی ایران و آمریکا»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۲، ۸۸ (۱۳۹۸): ۸۵-۱۰۸؛ رضا مقصودی پاشاکی، بررسی تطبیقی نزاکت و رفتار متقابل در شناسایی احکام خارجی. دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ۹، ۱ (۱۴۰۱): ۲۱۱-۲۳۲.



از دادگاه‌های ایران در آن کشور قابل اجراء باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید.» بدین ترتیب، قانون‌گذار ایران تصریح کرده که یکی از پیش‌شرط‌های شناسایی و اجرای احکام صادره از دادگاه‌های خارجی، وجود رابطه رفتار متقابل در کشور مبدأ است. از این رو، دولت ایران، تصمیمات قضایی دولت‌های دیگر را تنها در صورتی شناسایی و اجرا می‌کند که همان دولت نیز احکام قضایی ایران را به رسمیت بشناسد و اجرا نماید. رفتار متقابل، به سه صورت نمود می‌یابد: رفتار متقابل سیاسی که به وسیله معاهدات سیاسی تأمین می‌گردد. رفتار متقابل قانونگذاری که با وضع قانون ایجاد می‌گردد و رفتار متقابل عملی که به موجب رویه قضایی ایجاد می‌گردد (نصیری، ۱۳۸۵: ۹۳-۹۴).

با وجود آن‌که برخی صاحب‌نظران و وکلا، پیش از تصویب قانون اجرای احکام مدنی نسبت به درج این شرط و مشکلات عملی آن هشدار داده بودند (تقوائی، ۱۳۵۳: ۳۵-۳۶)، شرط رفتار متقابل، سرانجام در زمره الزامات اصلی ماده ۱۶۹ و به‌عنوان «اولین شرط» قید گردید. درعین‌حال، قانون‌گذار ایران هیچ تعریف دقیقی از واژه «رفتار متقابل» ارائه نداده و نحوه تفسیر و شیوه احراز آن را تماماً به دادگاه‌ها و دکتترین حقوقی واگذار کرده است. به همین دلیل، برخی از نویسندگان حقوقی در ایران، این وضعیت را موجد پیچیدگی و ابهام در رویه عملی می‌دانند (ایزنلو و جباری‌زاده، ۱۳۹۸: ۹۶-۹۷) و تأمین این شرط را بزرگترین مانع در جهت شناسایی و اجرای آرای خارجی در ایران دانسته‌اند (شیروی، ۱۳۹۸: ۵۲۶)؛ زیرا عموماً مشخص نیست که در عمل

به بیانی دیگر، برخلاف گذشته که این شرط عمدتاً به قصد «انتقام‌جویی» در قوانین گنجانده می‌شد، فلسفه امروزی آن بر تشویق دیگر کشورها به شناسایی و اجرای آرای دادگاه‌های دولت وضع‌کننده، متمرکز است (Epstein, 2014: 2344; Elbalti, 2008: 138). این تغییر رویکرد در برخی نظام‌های حقوقی، از جمله ایالات متحده آمریکا، قابل مشاهده است؛ چنان‌که در حقوق آمریکا بیش از یک قرن بحث شده‌است که آیا دادگاه‌ها باید رفتار متقابل را به‌عنوان شرط اجرای حکم خارجی در نظر بگیرند یا خیر (Miller, 2004: 299-302). اگرچه اکثر ایالات این کشور از اعمال چنین شرطی اجتناب کرده‌اند، در سال ۲۰۰۶، مؤسسه حقوقی آمریکا (ALI) با پیشنهاد قانونی در سطح فدرال در مورد اجرای احکام خارجی که شامل الزام رفتار متقابل بود، مجدداً این موضوع را در کانون توجه قرار داد.^۱ اینکه آیا درج این شرط، واقعاً به سود اجرای احکام صادره از دادگاه‌های کشوری خواهد بود که آن را در قوانین خود پیش‌بینی کرده است، امری است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲،۲ جایگاه شرط رفتار متقابل در قوانین ایران

شرایط لازم در جهت شناسایی و اجرای احکام خارجی در ایران در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ در هشت بند مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است. در بند نخست این ماده آمده‌است: «حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود یا عهد یا قراردادها احکام صادر

the ALI Judgments Project's Proposed Federal Foreign Judgments Statute, 45 NEW ENG. L. REV. 63, 92-100 (2010), Vishali Singal, Preserving Power Without Sacrificing Justice: Creating an Effective Reciprocity Regime for the Recognition and Enforcement of Foreign Judgments, 59 HASTINGS L.J. 943, 962-68 (2008).

محسن ایزنلو و روزه جباری‌زاده، «رفتار متقابل به عنوان شرط اجرای احکام خارجی: مطالعه در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران و آمریکا»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۲، ۱۰۸-۸۵: (۱۳۹۸)۸۸

^۱ American Law Institute, The Foreign Judgment Recognition and Enforcement, Official Text [i] (17), § 7(a), Discussion of Recognition and Enforcement of Foreign Judgments: Analysis and Proposed Federal Statute, 82 A.L.I. PROC. 94, 159 (2006)

^۲ برای مطالعه بیشتر تر رک:

Richard W. Hulbert, Some Thoughts on Judgments, Reciprocity, and the Seeming Paradox of International Commercial Arbitration, 29 U. PA. J. INT'L L. 641, 652- 53 (2008); Robert L. McFarland, Federalism, Finality, and Foreign Judgments: Examining

کلی از قانون کشور مقابل یا رویه‌ی دادگاه‌های آن در قبال احکام صادره از دادگاه‌های ایرانی ممکن نیست؛ قانون خارجی ممکن است در مقام تفسیر، مبهم و رویه‌ی دادگاه‌های کشور مقابل نیز نسبت به احکام صادره از دادگاه‌های ایران، متعارض باشد. به‌طورکلی، نتایج به‌دست‌آمده ممکن است اطمینان‌بخش نباشند و از آنجا که تفاوت‌های زبانی نیز بر این دشواری می‌افزاید، اخذ نظر کارشناسان متخصص، امری اجتناب‌ناپذیر است. چنین روندی هزینه‌های دادرسی را افزایش داده و رسیدگی را طولانی‌تر می‌کند. افزون بر این، در صورت احراز نشدن رفتار متقابل، ذی‌نفع ناچار می‌شود مجدداً دعوا را در دادگاه‌های ایران مطرح کند و این امر، هزینه‌های مضاعفی برای اصحاب دعوا به دنبال خواهد داشت.

۳/۱/۲ آثار منفی بر تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری

یکی از مؤلفه‌های مهم در جذب سرمایه‌گذاران خارجی، اطمینان از قابلیت اجرای آرای دادگاه‌ها در کشور مقصد است. شرط رفتار متقابل، با ایجاد عدم قطعیت در اجرای آرای خارجی در ایران، ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و در نتیجه، ممکن است سرمایه‌گذاران را به بازارها و کشورهای سوق دهد که در آن اجرای احکام روندی شفاف‌تر و سریع‌تر دارد. بدیهی است که دادرسی‌های طولانی و پرهزینه، مانع کارایی تجارت بین‌الملل است. همچنین مبهم بودن وضعیت حقوقی اشخاص و غیرقابل پیش‌بینی بودن قابلیت اجرای احکام، موجب عدم اطمینان حقوقی شده و تجارت بین‌المللی را با مشکل مواجه می‌کند و در بلندمدت به کاهش مبادلات تجاری منجر می‌گردد (Mok, 1989: 137; Martinek, 2017: 36). در ایران، شرکت‌های خارجی را نگران می‌کند و در نهایت، با توجه به ریسک قضایی موجود، هزینه‌ی قرارداد با طرف ایرانی را بالا می‌برد.

کدام کشورها و تحت چه شرایطی حاضر به اجرای احکام ایران هستند. از این رو، پیش‌بینی چنین شرطی ممکن است در موارد بسیاری موجب رد درخواست اجرای حکم خارجی در ایران شود، حتی اگر حکم خارجی از نظر سایر معیارها (مثل صلاحیت و عدم مغایرت با نظم عمومی) کاملاً قابل پذیرش باشد.

۳ کارایی درج شرط رفتار متقابل در قوانین

در راستای نیل به پاسخ پرسش مطرح شده، نیاز به سنجش هزینه-فایده درج این شرط در قوانین ملی است؛ ابتدا به ارزیابی هزینه‌های وارد به رژیم‌های حقوقی مبتنی بر رفتار متقابل پرداخته و متعاقباً اثر و فایده این شرط در جهت گسترش قابلیت شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های ملی (به ویژه احکام صادره از دادگاه‌های ایران) در سایر کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد. روشن است که چنین رژیمی تنها در صورتی قابل توجیه است که منافع آن بیش از هزینه‌های آن باشد.

۳/۱ هزینه‌های اعمال شرط رفتار متقابل

۳/۱/۱ دشواری اثبات رفتار متقابل و هزینه‌های دادرسی

اثبات وجود رفتار متقابل، آسان نیست و در غالب موارد، چالش‌برانگیز است. دادگاهی که از آن درخواست شناسایی و اجرای رأی خارجی شده، عموماً ناگزیر از صرف زمان و هزینه قابل توجهی برای بررسی قوانین و رویه قضایی دولت خارجی یا تهیه فهرستی از کشورهای است که از نظر دولت مذکور دارای رفتار متقابل هستند (Miller, 2004: 314-17; Mehren & Trautman, 1968: 1661). این بررسی، مستلزم دانش عمیق در خصوص قوانین آیینی آن کشور است؛ امری که به‌ویژه در خصوص دولت‌هایی با تعامل کمتر، انتظار دشواری از دادرسی به شمار می‌آید. همچنین در پاره‌ای موارد، استخراج ضابطه‌ای



۳،۱،۳ تحمیل تبعیض و تزییع حقوق اشخاص خصوصی

دادبرده در صورت عدم تحقق شرط رفتار متقابل، صرفاً به دلیل اختلاف میان دو کشور در خصوص اجرای آرا، از بهره‌مندی از پیروزی خود در دعوا محروم می‌شود؛ مسئله‌ای که ناشی از نقص در رسیدگی یا صدور حکم نیست، بلکه ناشی از عدم هماهنگی میان کشورهاست. از این رو، شرط مذکور با حقوق اشخاص خصوصی در روابط بین‌المللی در تضاد تلقی می‌گردد (کاشی آرانی، ۱۳۹۰: ۱۴۳). همچنین، اعمال تبعیض از سوی دولت در مقام اجرای این اختیار، میان اشخاص خصوصی خارجی یا حتی بین شهروندان خود، بر مبنای رفتار دولت خارجی که آن اشخاص شخصیتی مستقل از آن دارند و چه بسا حتی تبعه آن نباشند.^۱ به معنای فداکردن مصلحت مسلم یکپارچگی حقوق، در پای هدفی است که تحقق آن، مورد تردید است. به همین دلیل، شرطیت رفتار متقابل در ادبیات حقوقی، مکرراً مورد انتقاد قرار گرفته است (Zadeck, 1949: 323-324).

لازم به ذکر است که شرط رفتار متقابل حتی در صورت احراز، تضمینی برای اجرای حکم خارجی نیست؛ چراکه قواعد آمره و نظم عمومی ممکن است مانع اجرای حکم خارجی شوند. در حقوق ایران (و بسیاری از کشورها)، حکمی که با مبانی اساسی اخلاق حسنه یا نظم عمومی در تعارض باشد، قابل شناسایی و اجرا نخواهد بود. بنابراین، شرط رفتار متقابل به‌تنهایی تضمین‌کننده اجرای احکام خارجی نیست و باید همواره در کنار سایر الزامات حقوقی (نظیر عدم مغایرت با نظم عمومی) بررسی شود.

از این رو، عدم کارآمدی این شرط در کوتاه‌مدت قابل درک است اما در بلندمدت، این پرسش مطرح می‌شود که آیا درج شرط رفتار متقابل در قانون می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد برای غلبه بر موانع احتمالی پذیرش احکام ایرانی در خارج از

کشور تلقی شود و آیا سود حاصل از تحقق این هدف، هزینه‌های ناشی از آن را جبران خواهد کرد؟ این موضوع در ادامه، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳،۲ ارزیابی اثرگذاری عملی شرط رفتار متقابل

جهت ایجاد چارچوب تحلیلی مناسب، در این بخش ابتدا به بررسی عوامل دخیل در اثرگذاری این شرط و احتمال تأثیر آن‌ها و در ادامه به ذکر مواردی که ظاهراً این هدف محقق گردیده، پرداخته می‌شود.

۳،۲،۱ عوامل مؤثر بر تغییر رویکرد کشورها

چنان‌که اشاره شد، قانون‌گذار ایران با گنجاندن شرط رفتار متقابل در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، در نظر داشته است در صورت خودداری برخی کشورها از اجرای آرای دادگاه‌های ایران، بستر لازم برای تجدیدنظر در مقررات یا رویه‌های قضایی آن‌ها فراهم شود تا در قلمرو خود، امکان شناسایی و اجرای این آرا مهیا گردد. با این حال، این هدف تابع عوامل و متغیرهای مختلفی است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۳،۲،۱،۱ حجم مالی و تعداد احکام خارجی مورد درخواست شناسایی و اجرا

نحوه برخورد کشورهایی که ممکن است احکام صادره از دادگاه‌های ایرانی را اجرا نکرده و متعاقباً به دلیل نبود رفتار متقابل، حکم صادر شده در دادگاه‌های آنان، در ایران اجرا نشود و از این جهت متضرر گردند، در غالب موارد، به این بستگی دارد که تا چه اندازه منافع اقتصادی و حقوقی آن‌ها و نیز دادبرندگان احتمالی ساکن در آن کشورها در معرض زیان قرار گیرد. چنانچه این زیان را جدی بدانند، ممکن است برای تغییر قوانین خود در جهت شناسایی و اجرای آرای دادگاه‌های ایران تلاش کنند اما در صورت ناچیز بودن ضرر، انگیزه چندانی برای تغییر نشان ندهند (Coyle, 2014: 1115-44). از این

دادگاه‌های کشورهای صادرکننده رأی است نه تابعیت محکوم‌له

^۱ الزام متقابل ممکن است به هر شخصی، صرف‌نظر از ایرانی یا با هر تابعیت دیگری، ضرر برساند؛ زیرا ملاک رفتار

امکان دیگر، طرح دعوا در کشوری است که خواننده در آن اموالی دارد و از این رو، نیازی به اجرای حکم خارجی در ایران نخواهد بود. البته، مشکلات بالقوه‌ای در ارتباط با هر یک از این راهکارها وجود دارد؛ داوری غالباً پرهزینه بوده و برخی از دعاوی، اساساً داوری‌پذیر نیستند. همچنین، طرح دعوا در کشور دیگر به دلیل تفاوت‌های زبانی، عدم آشنایی با سیستم حقوقی کشور خارجی و دشواری بردن ادله و شهود به کشور دیگر می‌تواند هزینه‌های طرح دعوا را بسیار بالا ببرد. با این حال، ممکن است چنین مسیری برای دادبرندگان خارجی در مقایسه با صرف وقت و منابع برای اصلاح قانون، به‌صرفه‌تر باشد (Coyle, 2014: 1146).

از سوی دیگر، ممکن است طرف‌های خارجی به این نتیجه برسند که سخت‌گیری ایران درباره‌ی اجرای احکام خارجی و مبهم بودن سرنوشت آن، ریسک تعامل با طرف‌های ایرانی را بالا می‌برد و ترجیح دهند وارد معاملات بازرگانی در کشورهایی شوند که سازوکار سهل‌گیرانه‌تری برای اجرای آرای خارجی دارند.

۳،۲،۱،۳ سهولت یا دشواری قوانین و تشریفات قضایی

اگرچه قانون‌گذاران مختلف، شرط رفتار متقابل را با اهداف مشابهی در قوانین خود می‌گنجانند، شیوه و گستره اجرای این شرط ممکن است متفاوت باشد (Juenger, 1988: 31). هر قدر فرآیند اجرای احکام خارجی در ایران طولانی‌تر و هزینه‌برتر باشد، ریسک سرمایه‌گذاری و مراوده با طرف‌های ایرانی بالا می‌رود و شرکت‌های خارجی ترجیح می‌دهند اصولاً از ورود به بازار ایران یا انعقاد قراردادهایی که نیاز به اجرای حکم در ایران دارد، خودداری کنند. بدین ترتیب، به مرور زمان حتی تعداد احکام خارجی قابل اجرا در ایران هم کاهش می‌یابد و بنابراین انگیزه دولت خارجی برای تغییر قوانین خویش کمتر می‌شود.

رو، بررسی متغیرهایی نظیر تعداد آرای صادره از هر کشور که برای شناسایی و اجرا به ایران آورده می‌شود و میزان محکوم‌به آن، در تحلیل اثرگذاری این شرط بر سیاست قضایی آن کشور حائز اهمیت است. در صورتی که دادبرندگان خارجی، به‌طور مستمر و در حجم بالا، خواهان اجرای آرای دادگاه‌های کشور متبوع خود در ایران باشند، احتمال دارد برای اصلاح قوانین یا رویه قضایی کشور خود در راستای شناسایی احکام ایرانی فشار بیاورند. در فرض مقابل، اگر موارد اجرای احکام خارجی در ایران اندک باشد، انگیزه‌ای جدی برای تغییر قوانین نخواهند داشت (Coyle, 2014: 1146).

لازم به ذکر است که در خصوص تعداد چنین آرای، حجم مالی آن‌ها و اینکه از چه کشورهایی صادر شده‌اند، آمار قابل‌دسترسی وجود ندارد که نیازمند بررسی و اقدام است و همین مسئله ارزیابی دقیق را دشوار می‌کند. با این حال، می‌توان این موارد را تابعی از میزان مراودات تجاری کشور ایران با سایر کشورها دانست. در فضای فعلی ایران و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های اقتصادی، مراودات تجاری با بسیاری کشورها در سطحی نیست که بتوان از تعداد بالای آرای خارجی نیازمند اجرا در ایران، سخن گفت. بدین ترتیب، احتمال تأثیرگذاری شرط رفتار متقابل در ترغیب دولت‌های مقابل به تغییر قوانینشان پایین است.

۳،۲،۱،۲ وجود راهکارهای جایگزین برای دادبرندگان خارجی

در کنار تلاش برای تغییر قوانین، دادبرندگان خارجی ممکن است در واکنش به شرط رفتار متقابل، روش‌های دیگری را در پیش گیرند؛ برای مثال، در قراردادهایشان با طرف‌های ایرانی، شرط داوری بگنجانند (Coyle, 2014: 1146) تا در صورت بروز اختلاف، رأی صادره از مرجع داوری طبق کنوانسیون نیویورک - که اجرای متفاوت و سهل‌تری را نسبت به اجرای احکام محاکم پیش‌بینی نموده - در سایر کشورها قابل اجرا باشد (مافی، اقبالی، ۱۴۰۲: ۱۶۶).



۳،۲،۱،۴ ملاحظات سیاسی و دیپلماتیک

لازم به ذکر است که تعیین قواعد شناسایی و اجرای احکام خارجی، صرفاً یک موضوع فنی حقوقی نیست و ممکن است تحت تأثیر ملاحظات کلان دیپلماتیک یا اولویتهای سیاسی کشورها باشد. از این رو، حتی اگر زیان اقتصادی ناشی از عدم اجرای احکام در ایران بالا باشد، دولت خارجی ممکن است ترجیح دهد به دلایل سیاسی، تغییری در قوانین خود ندهد یا مناسبات قضایی با ایران را گسترش ندهد.

۳،۲،۲ سوابق تاریخی اثرگذاری شرط رفتار متقابل بر تغییر رویه کشورها

در این قسمت به بررسی نمونههای تاریخی پرداخته می‌شود که در نوشته‌های حقوقی به عنوان مصادیق موفقیت‌آمیز بودن شرط رفتار متقابل در ترغیب سایر کشورها نسبت به تغییر رویکردشان در خصوص شناسایی و اجرای آرای صادره از کشور وضع‌کننده این قاعده، به آن‌ها اشاره گردیده است (Martinek, 2017:36-58). ضمن بیان نبود سابقه در خصوص این اثرگذاری و تغییر رویه نسبت به پذیرش آرای ایرانی، در سطح جهانی نیز موارد معدود و اندکی گزارش شده که ادعا می‌شود تغییر قوانین کشوری در نتیجه اعمال فشار ناشی از وجود رفتار متقابل در نظام حقوقی کشور طرف رابطه بوده‌است که صحت این ادعا نیز نیازمند بررسی است.

۳،۲،۲،۱ پرونده زلزله سانفرانسیسکو در سال ۱۹۰۶

در اواخر قرن نوزدهم، آلمان، قوانینی را وضع کرد که اجرای احکام خارجی را منوط به رفتار متقابل نمود. هدف از وضع این قوانین، تشویق دولت‌های خارجی به سمت شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های آلمان بود (Wurmnest, 2005:179-81; Coyle, 2014: 1132). این امر سبب شد که کالیفرنیا قوانین مربوط

به اجرای احکام خارجی خود را پس از زلزله سانفرانسیسکو در سال ۱۹۰۶ اصلاح کند. این زمین‌لرزه، باعث خسارات مالی گسترده‌ای در کالیفرنیا شد. زیان‌دیدگانی که بیمه‌نامه‌های صادر شده توسط شرکت‌های بیمه آلمانی را در اختیار داشتند، به دنبال جبران خسارت خود برآمدند. در نهایت دادگاه‌های کالیفرنیا برخی از این دعاوی را به نفع بیمه‌گذاران حل‌وفصل نمود اما به دلیل نبود رفتار متقابل، دادبرندگان موفق به اجرای این احکام در آلمان نشدند. در نهایت، قانون‌گذار کالیفرنیا در سال ۱۹۰۷، قوانین خود را در جهت تسهیل پذیرش آرای خارجی تغییر داد (Röder, 2012: 1871-1914) تا امکان اجرای این احکام در آلمان فراهم شود و زیان دیدگان بتوانند خسارت خود را از شرکت‌های بیمه آلمانی دریافت کنند.

هرچند این مورد اغلب به‌عنوان مثالی از موفقیت شرط رفتار متقابل ذکر می‌شود، در واقع بسیار استثنایی بوده و انگیزه‌های اقتصادی پس از زلزله، علت اصلی تغییر سریع قانون کالیفرنیا بوده‌است. به همین دلیل، نمی‌توان این مورد را «الگوی فراگیر و همیشگی» برای تأیید کارایی شرط رفتار متقابل دانست (Martinek, 2017: 56).

۳،۲،۲،۲ پرونده معروف مونزر در فرانسه^۲

پرونده مونزر در دهه ۱۹۶۰، نقطه عطفی در حقوق فرانسه محسوب می‌شود. پیش از آن، دادگاه‌های فرانسه در مواجهه با احکام خارجی رویه بازبینی ماهوی^۳ را در پیش گرفته و به بررسی صحت آرا می‌پرداختند. در این پرونده، دیوان عالی فرانسه اعلام کرد که برای شناسایی حکم خارجی، نیازی به بازبینی ماهوی نیست؛ بلکه کافی است ضوابطی همچون صلاحیت دادگاه خارجی، عدم مغایرت با نظم عمومی و رعایت حقوق دفاعی خواننده رعایت شود.^۴

^۱ در حدود ۱۳۳ تا ۲۹۶ میلیون دلار

^۲ Munzer case in France, See Cour de cassation [Cass.] [supreme court for judicial matters] le civ., Jan. 7, 1964, Bull. civ. I, No. 15.

^۳ révision au fond

^۴ در این پرونده شخصی به نام مونزر خواهان اجرای رأی خارجی در فرانسه بود. دادگاه‌های تالی فرانسه در ابتدا به سبک گذشته، رأی خارجی را از لحاظ ماهوی بررسی کردند و با

سوق دهد؟ در این بخش، با مرور اجمالی رویکرد برخی کشورها به اجرای آرای خارجی و میزان اثرگذاری احتمالی این شرط مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در ارتباط با کشورهایی مانند امارات، ترکیه، چین یا روسیه^۱ که طرف معاهده همکاری قضایی با کشور ایران می‌باشند، چهارچوبی مشخص برای شناسایی و اجرای احکام یکدیگر وجود دارد و اصولاً دغدغه «فقدان رفتار متقابل» درباره آن‌ها مطرح نیست. بدیهی است که در این موارد، شرط رفتار متقابل تأثیری بر ترغیب یا تهدید آن کشورها ندارد؛ زیرا تکلیف اجرای احکام، از مسیر معاهده، صریحاً روشن شده است.

مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که تعداد اندکی از کشورها از به رسمیت شناختن و اجرای احکام خارجی به‌طور کامل امتناع می‌ورزند و در عمل، دادبرده را ناگزیر از طرح مجدد دعوا در همان کشور می‌سازند. اندونزی و تایلند، برجسته‌ترین نمونه از چنین کشورهایی به‌شمار می‌آیند (Yong: 15). Pung How, 2021 در نگاه اول، ممکن است چنین تصور شود که اگر ایران در چارچوب ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، اجرای احکام اندونزیایی یا تایلندی را موکول به وجود رفتار متقابل بداند، آن کشورها و اتباعشان تحت فشار قرار می‌گیرند تا رویکرد خود را تغییر دهند. با این حال، مشخص نیست دادبرندگان اندونزیایی ناتوانی در اجرای احکام اندونزی در ایران را تهدیدی جدی برای منافع اقتصادی خود بدانند؛ هیچ آمار گزارش شده‌ای وجود ندارد که در آن دادبردگانی به دنبال اجرای حکم اندونزیایی در ایران باشند که نشان می‌دهد چنین مواردی نادر هستند. از سوی دیگر، کشور اندونزی

برخی از تحلیلگران حقوقی ادعا کرده‌اند که این تغییر، تحت تأثیر شرط رفتار متقابل آلمان صورت گرفت؛ زیرا آلمان، اجرای احکام کشورهای را که به بازبینی ماهوی آرای آلمانی می‌پرداختند، رد می‌کرد (Nadelmann, 1957: 78; Von Mehren & Trautman, 1968: 49). با وجود این مشخص نیست تسهیل اجرای احکام فرانسه در آلمان، مدنظر دادگاه بوده یا این نتیجه به‌صورت تصادفی حاصل شده است و ممکن است علت‌های دیگری مانند رشد حقوق تجارت بین‌الملل و بالتبع، ایجاد ضرورت‌ها و نیازهای جدید، در این مورد دخیل باشد. حتی در این مثال نسبتاً شناخته‌شده، نمی‌توان گفت که رفتار متقابل به‌تنهایی سبب تغییر رویکرد فرانسه شده است.

بررسی دو نمونه تاریخی فوق، نشان می‌دهد مواردی که به نظر می‌رسد شرط رفتار متقابل سبب تغییر در قانون یا رویه قضایی دولت مقابل شده، بسیار محدود و نادر است و غالباً انگیزه‌های بسیار خاص (مانند ضرر مالی هنگفت ناشی از زلزله سانفرانسیسکو) یا تحولات ساختاری در حقوق بین‌الملل خصوصی (مانند پرونده مونزر) در آن دخیل بوده است.

۳،۳ تحلیل بازخورد کشورها نسبت به شرط رفتار متقابل مندرج در قوانین ایران

پس از ترسیم چارچوب درباره تأثیر احتمالی شرط رفتار متقابل در عرصه شناسایی احکام خارجی، شایسته است بررسی شود که آیا شرط رفتار متقابل مندرج در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، ممکن است کشورهای خارجی را ترغیب به تغییر موضع خود کند و به‌سوی اجرای آرای صادره از محاکم ایران

شناسایی یک حکم خارجی، بررسی ماهوی مجدد ضرورت ندارد.

^۱ موافقت‌نامه ایران و روسیه مصوب ۱۹۹۹ میلادی در ماده ۳ مقرر می‌دارد که معاضدت قضایی علاوه بر انجام تحقیقات از طرفین دعوا شامل شناسایی و اجرای تصمیمات قضائی در پرونده‌های مدنی نیز می‌شود.

استناد به قواعد یا ملاحظات حقوق داخلی، از شناسایی آن خودداری کردند. مونزر اما ادعا داشت که این بازبینی ماهوی، با اصول مدرن حقوق بین‌الملل خصوصی در تعارض است و مانع غیرضروری برای شناسایی آرا به شمار می‌رود در نهایت، رویکرد سنتی رد شد و دیوان عالی فرانسه رأی داد که برای

در نتیجه، اگر دادگاه ایرانی نیز به استناد بند ۱ ماده ۱۶۹، به دلیل فقدان رفتار متقابل درخواست اجرای آرای دادگاه‌های این کشورها را رد کند، بعید است برای آن‌ها انگیزه اصلاح قوانین پدید آید؛ زیرا به دلیل محدود بودن مواردی که احکام این کشورها در ایران، مورد درخواست شناسایی و اجرا در ایران قرار می‌گیرند، بعید است این افراد ناتوانی در اجرای احکام در ایران را به‌عنوان تهدیدی جدی برای منافع اقتصادی خود بدانند. حتی اگر اتباع این کشورها بخواهند با اتباع ایرانی مرادده تجاری داشته باشند، راهکار درج شرط داوری در قرارداد یا اقامه دعوا در محلی دیگر برایشان همیشه باز است. هم چنین، تهدید ناشی از اجرای متقابل در ایران نمی‌تواند سیاست رسمی دادگاه‌های اسکاندیناوی - مبنی بر منوط دانستن پذیرش شناسایی آرای خارجی به وجود معاهده- را تغییر دهد.

از سوی دیگر، در خصوص تأثیر شرط رفتار متقابل بر سایر کشورهایمانند انگلستان، آلمان، کانادا و فرانسه که رویکرد نسبتاً سهل‌گیرانه‌ای در شناسایی و اجرای احکام خارجی دارند و موانع شناسایی و اجرای آرای خارجی محدود است (Elbalti, 2017: 187-213)، از نظر حقوقی امکان اجرای احکام ایرانی در آن‌ها وجود دارد. ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی نیز صرفاً «امکان اجرا» را در کشور مقابل برای تحقق رفتار متقابل کافی می‌داند؛ از این‌رو، عموماً شرط رفتار متقابل مانعی جدی در برابر اجرای احکام این کشورها محسوب نمی‌شود. دلیل این امر آن است که در عمل، هرکدام از این کشورها برخی از آرای ایرانی را اجرا کرده یا حداقل امکان اجرای آن فراهم است. اگرچه در این کشورها در مواردی، احکام خارجی به دلیل ایراداتی

در برابر شرط رفتار متقابل کشورهایمانند چین، ژاپن و سنگاپور که از نظر جغرافیایی نزدیک به یکدیگر هستند و سطح روابط تجاری آنها بیش از رابطه با ایران است^۱، تغییری در رویکرد خود نداده است (Coyle, 2014:1156)؛ بنابراین، احتمال آن‌که شرط رفتار متقابل ایران بتواند محرک مؤثری برای اصلاح قوانین آن باشد، ناچیز به نظر می‌رسد. افزون بر این، با گذشت دهه‌ها از تصویب قانون اجرای احکام مدنی، هیچ بازنگری مثبتی از سوی این دولت‌ها در زمینه پذیرش آراء ایرانی مشاهده نمی‌گردد.

دسته دیگری از کشورها، همچون برخی دولت‌های حوزه اسکاندیناوی (مانند نروژ، دانمارک، سوئد، فنلاند، ایسلند)، اجرای احکام خارجی را منوط به وجود معاهده دوجانبه یا چندجانبه می‌کنند (Baumgartner, 2008:227)^۲. از آنجا که ایران با هیچ‌یک از این کشورها معاهده‌ای در خصوص شناسایی و اجرای آراء ندارد، احکام دادگاه‌های ایران، عموماً در این کشورها اجرا نمی‌شود. با در نظر گرفتن ضرورت وجود رفتار متقابل به‌عنوان شرط شناسایی و اجرای احکام خارجی در ایران، احکام صادر شده توسط این کشورها متقابلاً در ایران قابل اجرا نخواهند بود.

چنان که در دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۳۲۶۱۰۱۱۷۰ به تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع شهید بهشتی تهران، پس از استعلام از مراجع ذی‌ربط متوجه شد که دادگاه‌های سوئد احکام ایرانی را به رسمیت نمی‌شناسند و در نتیجه، درخواست اجرای حکم یک دادگاه سوئدی در ایران مردود اعلام شد (خدابخشی، ۱۳۹۲: ۳۵۶).

^۲ چندین استثنا در این مورد وجود دارد: نروژ و سوئد احکام کشورهایی را که با آنها معاهدات قضایی منعقد نکرده‌اند تنها در صورتی اجرا می‌کنند که بند انتخاب دادگاه در قرارداد وجود داشته باشد که صلاحیت انحصاری را به دادگاه‌های کشور صادرکننده می‌دهد... و فنلاند احکام خارجی را "در مواردی که به دلیل فقدان صلاحیت شخصی، نمی‌توانست از ابتدا در فنلاند مطرح شود" اجرا خواهد کرد.

^۱ برای مثال، ارزش تجارت کالاهای اندونزی با کشور ایران در سال ۲۰۲۳ تقریباً ۱۱ میلیون دلار بوده، در حالی که در رابطه با کشورهای چین، ژاپن و سنگاپور به ترتیب حدود ۶۲، ۱۶ و ۱۸ میلیارد دلار بوده است.

<https://comtradeplus.un.org/TradeFlow?Frequency=A&Flows=X&CommodityCodes=TO-TAL&Partners=0&Repo rters=360&period=all&AggregateBy=none&BreakdownMode=plus>

حقوقی ورود سرمایه و شکل‌گیری همکاری‌های تجاری را به حداقل برساند. از سوی دیگر، پیوستن به معاهدات چندجانبه یا انعقاد توافقات دوجانبه، راهکاری قابل‌اتکاتر برای تضمین شناسایی و اجرای آرای قضایی ایران در سطح بین‌المللی به‌شمار می‌رود.

۴٫۱ تعدیل شرط رفتار متقابل

همانطور که ملاحظه گردید، مطالعه در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی ایران حاکی از آن است که شرط رفتار متقابل، به‌خصوص در شکل سخت‌گیرانه‌اش، می‌تواند مانع اجرای سریع و کم‌هزینه احکام خارجی گردد. در نتیجه، سرمایه‌گذاران و طرف‌های تجاری خارجی در ورود به بازار ایران با تردید مواجه شده و اطمینان آنان نسبت به نظام قضایی کشور کاهش می‌یابد. همچنین قضات و وکلای دادگستری در تفسیر و تشخیص «رفتار متقابل» با دشواری مواجه می‌شوند و این ابهام می‌تواند بر سرعت و قطعیت صدور رأی تأثیر منفی بگذارد.

با این حال، ضرورت حفظ شرط رفتار متقابل به‌عنوان یک ابزار کنترلی در راستای حمایت از حاکمیت ملی (مقصودی، ۱۴۰۱: ۲۲۸)، انکارناپذیر است؛ زیرا در مواردی که دولتی عملاً نسبت به آرای دادگاه‌های ایران موضعی خصمانه یا کاملاً امتناعی دارد، همچنان لازم است به‌عنوان اهرم مقابله به‌مثل عمل کند و از موقعیت قضایی ایران در برابر تبعیض‌های احتمالی صیانت نماید. از این رو، اتخاذ راهکارهایی در جهت تعدیل این شرط و ایجاد توازن میان حفظ منافع ملی و تسهیل روابط تجاری-اقتصادی بین‌المللی، منطقی خواهد بود:

۴٫۱٫۱ اتخاذ رویکرد سهل‌گیرانه‌تر در تفسیر

ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی

ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران، شناسایی و اجرای احکام خارجی را منوط به وجود رفتار متقابل کرده است. این شرط در آغاز ابزاری برای حفظ موازنه در روابط سیاسی-قضایی و حراست از حاکمیت ملی تلقی می‌شد (سلجوقی، ۱۳۸۵: ۵۴۶).

مانند «نبود صلاحیت دادگاه صادرکننده» یا «نقص در رسیدگی» رد شده‌اند، اما چنین مواردی به‌منزله انکار کلی اجرای آرای خارجی از جمله احکام صادره از دادگاه‌های ایران تلقی نمی‌شود و در چارچوب تفسیر حداقلی ماده ۱۶۹، خللی بر احراز رفتار متقابل نباید وارد کند.

البته این احتمال وجود دارد که در موارد محدودی دادگاه ایران از اجرای حکم صادر شده توسط دادگاه هر یک از کشورهای فوق به دلیل اعتقاد به عدم وجود رفتار متقابل امتناع نماید. در نظر گرفتن این فرض نیز تغییری در تحلیل به عمل آمده ایجاد نمی‌کند. تهدید محدود به عدم اجرای برخی احکام خارجی در ایران، معمولاً منجر به فشار مؤثری بر دولت‌های یادشده نمی‌شود و آن‌ها نیازی به اصلاح اساسی قوانین یا رویه‌های خویش احساس نمی‌کنند (Coyle, 2014: 1166).

با توجه به تحلیل‌های بالا، مشخص می‌شود که شرط رفتار متقابل، در عمل چندان موفق نبوده و وجود آن ضرورتاً به تغییر قوانین یا رویکرد قضایی دولت‌های خارجی منتهی نمی‌شود. بررسی سوابق تاریخی، حاکی از آن است که مواردی که شرط رفتار متقابل واقعاً در تغییر قانون یا رویه قضایی دولت مقابل اثرگذار بوده، بسیار انگشت‌شمار و نادر بوده و عمدتاً در شرایطی خاص (نظیر بحران‌های اقتصادی یا حوادث استثنائی) به وقوع پیوسته است. در نتیجه، برای افزایش اطمینان حقوقی و ترغیب کشورهای دیگر به شناسایی و اجرای آرای ایرانی باید به دنبال راهکارهای دیگری بود.

۴ راهکارهای پیشنهادی برای

حقوق ایران

با توجه به هزینه‌های بالای اعمال سخت‌گیرانه شرط رفتار متقابل و ناکارآمدی نسبی آن در ترغیب سایر دولت‌ها به شناسایی و اجرای احکام ایرانی، ضروری است نظام حقوقی ایران از رویکردهای تعدیلی و مکمل بهره‌مند شود. از یک سو، «تعدیل شرط رفتار متقابل» می‌تواند ضمن حفظ حاکمیت ملی، موازنه

از منظر سیاست‌گذاری حقوقی، اتخاذ این راهبرد مانع از ایجاد دور معیوب خودداری متقابل در اجرای احکام می‌شود؛ وضعیتی که در آن، هر دو کشور از اجرای احکام یکدیگر امتناع می‌ورزند و نتیجه آن، انسداد کامل مسیر اجرای احکام خارجی خواهد بود.

نظریه مشورتی شماره ۱۷۰۳/۱۴۰۰/۷ مورخ ۰۱/۰۳/۱۴۰۱ نیز بر همین موضوع تأکید کرده است: «... یکی از طرق دستیابی به معامله متقابل در روابط بین‌المللی و اجرای احکام قضایی، ایجاد رویه قضایی و اجرا کردن احکام صادره از دادگاه‌های خارجی با لحاظ دیگر شرایط مقرر است. بر این اساس، دادگاه‌های ایران می‌توانند به استناد ماده ۹۷۲ قانون مدنی و بخش اخیر بند یک ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، ابتدائاً جهت ایجاد رویه قضایی و شروع معامله متقابل پیش‌قدم شوند...».

بنابراین، اتخاذ سیاست تسهیل شناسایی و اجرای احکام خارجی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار دیپلماتیک و حقوقی برای تشویق کشورهای دیگر به رفتار مشابه عمل کند. این رویکرد، علاوه بر آنکه بر مبنای اصل تعامل و حسن نیت استوار است، می‌تواند انگیزه‌های برای کشورهای دیگر ایجاد کند تا به‌صورت متقابل، آرای محاکم ایرانی را شناسایی و اجرا نمایند.

هرچند در قانون اجرای احکام مدنی به‌صراحت، شیوه تفسیر و اعمال این شرط مشخص نشده است، برخی محاکم ایرانی کوشیده‌اند در مواجهه با احکام خارجی رویکردی سهل‌گیرانه و منعطف و در عین حال فعال پیش گیرند و ایجاد کننده رابطه متقابل باشند. به‌عنوان مثال، در پرونده‌ای مربوط به حکم دادگاه هامبورگ، شعبه سوم دادگاه عمومی تهران بدون آن‌که درگیر تشریفات سخت‌گیرانه رفتار متقابل شود، با استناد به مواد ۱۶۹ و ۱۷۰ قانون اجرای احکام مدنی (مصوب ۱۳۵۶) و نیز مواد ۹۷۱ و ۹۷۲ قانون مدنی، با توجه به قطعی و لازم‌الاجرا بودن حکم و دستور اجرای آن در کشور مبدأ، قرار لازم‌الاجراء بودن حکم دادگاه هامبورگ را صادر نمود.

با این حال، در وضعیت کنونی اقتصاد و تجارت بین‌الملل، اجرای سخت‌گیرانه این شرط می‌تواند باعث افزایش هزینه‌های دادرسی، طولانی‌شدن روند رسیدگی و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی شود (شیروی، ۱۳۹۸: ۵۲۶؛ صانعیان، ۱۴۰۲: ۱۸۱).

راهکار نخست برای سازگار کردن این شرط با مقتضیات کنونی اقتصاد و تجارت بین‌الملل، اتخاذ رویکردی منعطف و سهل‌گیرانه در تفسیر بند ۱ ماده ۱۶۹ است. در چنین تفسیری، اصل بر «وجود رفتار متقابل» گذاشته می‌شود و تنها در صورتی دادگاه ایرانی حکم خارجی را رد می‌کند که به‌طور روشن و مستند، احراز گردد نظام قضایی کشور مبدأ به‌صورت فراگیر و سیستماتیک، از شناسایی آرای ایران امتناع می‌ورزد یا موضعی تبعیض‌آمیز نسبت به این آرا اتخاذ می‌کند. نتیجه آن خواهد بود که در صورت ارائه یک حکم قطعی و لازم‌الاجرا که با نظم عمومی، اخلاق حسنه و موازین شرعی معارض نباشد، دادگاه ایرانی در روندی شفاف، سریع و کم‌هزینه، دستور اجرای آن را صادر کند. چنین انعطافی مستقیماً در ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری و افزایش اعتماد بازیگران اقتصادی بین‌المللی نسبت به نظام قضایی ایران مؤثر است و می‌تواند جایگاه ایران را در تعاملات بین‌المللی تقویت نماید.

۴/۱/۲ پیشگامی دادگاه‌های ایران در شناسایی آرای خارجی

مورد دیگری که می‌تواند از سخت‌گیری ناموجه در رفتار متقابل جلوگیری کند، تشویق دادگاه‌های ایران به «پیشگامی» در شناسایی و اجرای احکام خارجی است. در مواردی که کشور خارجی سابقه‌ای در اجرای احکام ایرانی ندارد یا اساساً اجرای احکام خارجی را منوط به رفتار متقابل کرده است، دادگاه ایرانی به‌جای انتظار برای تغییر سیاست قضایی آن کشور، پیشگام در شناسایی و اجرای احکام خارجی می‌گردد. این اقدام می‌تواند به‌عنوان گام نخست در ایجاد تعامل قضایی عمل کرده و احتمال پذیرش آرای ایرانی در آن کشورها را افزایش دهد.

اعتماد فعالان اقتصادی و حقوقی داخلی و بین‌المللی خواهد شد.

از سوی دیگر، نیاز به بررسی است که اگر رأی صادره از سوی دادگاه ایران، مورد شناسایی و اجرا از سوی کشور بیگانه قرار نمی‌گیرد، به دلیل تعصبی است که در میان کشورها در خصوص عدم اجرای آرای ایرانی وجود دارد و یا مشکلات دیگری در خصوص اجرای آرا وجود دارد؟ (صانعیان، ۱۴۰۲: ۱۸۱) به‌طور مثال، در پرونده بانک ملی ایران علیه شمس پهلوی^۱ که دادگاه آمریکایی حاضر به شناسایی و اجرای حکم ایرانی نشد، به نظر می‌رسد علت اصلی، عدم رعایت تشریفات قانونی رسیدگی به دعاوی و عدم امکان حضور و دفاع خواننده دعاوی بوده است نه عداوت سازمان‌یافته با دستگاه قضایی ایران؛ چرا که در موارد دیگری، اجرای احکام دادگاه‌های ایران در دادگاه این کشور دیده شده است.^۲ در پرونده دیگری^۳ مشاهده می‌شود که حکم صادره از سوی دادگاه ایالات متحده علیه ایران- که بر اساس ادعای خانواده قربانیان حملات تروریستی، ایران به شرکت در آن‌ها متهم شده بود- در انگلستان اجرا نشد؛ دادگاه انگلیس استدلال نمود که ایران در دعاوی مطرح شده در ایالات متحده حضور نداشته و فرصت دفاع کافی برای آن فراهم نشده است. بنابراین، رد درخواست شناسایی و اجرای احکام خارجی به دلیل عدم رعایت اصول دادرسی در پرونده‌ای خاص را نمی‌توان نشانه‌ای از عدم رفتار متقابل در میان کشورها تلقی نمود.

۴٫۲ ضرورت پیوستن به معاهدات همکاری قضایی و کنوانسیون‌های بین‌المللی

همانطور که ملاحظه گردید، اتکای صرف به قاعده «رفتار متقابل» در قانون داخلی برای تضمین

به همین نحو، در پرونده‌های دیگر، دادنامه دادگاه تجدیدنظر تجاری کویت در دادگاه تهران به رسمیت شناخته شد و دستور صدور اجراییه صادر گردید. دادگاه با تکیه بر گواهی سفارت ایران در کویت مبنی بر مطابقت حکم با قوانین آن کشور و عدم مغایرت حکم با نظم عمومی و قوانین آمره ایران، اجرای رأی کویتی را بلااشکال دانست (پورنوری، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۸).

این موارد نشان می‌دهد که حتی در چهارچوب قوانین کنونی نیز، در صورتی که دادگاه ایرانی به‌طور قطعی به نبود رفتار متقابل باور نداشته باشد و نشانه‌ای از امتناع سیستماتیک کشور مبدأ نیابد، می‌تواند مسیر اجرای حکم خارجی را تسهیل کند.

۴٫۱٫۳ حفظ شرط رفتار متقابل برای موارد «امتناع گسترده یا تبعیض آمیز»

همانطور که بیان شد، حذف کامل شرط رفتار متقابل از نظام حقوقی ایران ممکن است در برابر کشورهای که به‌صورت سازمان‌یافته و کلی از پذیرش آرای ایران سر باز می‌زنند، ابزار مقابله به‌مثل را سلب کند. بنابراین، بهترین سیاست آن است که شرط رفتار متقابل به‌شکل مضیق و در موارد محدود اعمال شود؛ به‌طوری‌که اگر شواهدی حاکی از تحریم یا تبعیض سیستماتیک علیه احکام ایرانی وجود داشته باشد، دادگاه ایرانی حق دارد شناسایی و اجرای آرای آن کشور را رد کند.

در مواردی که شواهد قطعی بر امتناع سیستماتیک و کلی کشور مقابل از اجرای احکام ایران وجود دارد، اعمال شرط رفتار متقابل همچنان به‌عنوان ابزاری برای حمایت از حاکمیت ملی، قابل‌توجیه خواهد بود. این رویکرد ضمن حفظ حاکمیت قضایی ایران، موجب کاهش موانع حقوقی، افزایش شفافیت در نظام اجرای احکام و تقویت

جهت مطالعه بیشتر رک ایزانلو، جباری، «رفتار متقابل به‌عنوان شرط اجرای احکام خارجی: مطالعه در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران و آمریکا»: ۱۰۱-۱۰۲.

³ Heiser v Iran [2019] EWHC 2074.

¹ Bank Melli Iran v. Pahlavi 58 F.3d 1406 (9th Cir. 1995).

² Cooley v. Weinberger, 518 F.2d 1151 (10th Cir. 1975).

خارجی، شباهت‌های زیادی با مقررات کنوانسیون وجود دارد. برای مثال، ضرورت قطعی و لازم‌الاجرا بودن حکم در کشور مبدأ، صدور آن از دادگاه صالح، و نیز امکان استناد به نظم عمومی در موارد مغایرت با حقوق دفاعی خوانده یا تحصیل حکم از راه تقلب، در هر دو نظام حقوقی به‌عنوان موانع شناسایی و اجرای حکم محسوب می‌شوند (تقی‌پور درزی نقیبه، سلیمانی اندرور، ۱۴۰۱: ۱۰-۵۰۰).

علاوه بر وجوه اشتراک میان مقررات داخلی ایران و کنوانسیون لاهه ۲۰۱۹، انعطاف موجود در این سند نیز می‌تواند روند الحاق را تسهیل کند. به‌ویژه آن‌که کنوانسیون با فراهم‌آوردن امکان صدور اعلامیه در خصوص عدم اجرای آن در برخی موضوعات یا در رابطه با برخی دولت‌های متعاقد، به کشورها اجازه می‌دهد دغدغه‌های مربوط به نظم عمومی، موازین شرعی و سایر ملاحظات بومی خود را نیز مدنظر داشته باشند.

در نتیجه، الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی هم‌چون لاهه ۲۰۱۹، دست‌کم دو فایده عمده به همراه دارد؛ نخست آن‌که با قرار گرفتن اجرای احکام در قالب یک معاهده چندجانبه، دیگر نیازی به اثبات متقابل بودن برخورد دادگاه‌های خارجی با آرای ایران وجود نخواهد داشت؛ زیرا از رهگذر یک توافق چندجانبه، دولت‌های عضو متعهد به شناسایی و اجرای آرای یکدیگر شده‌اند و این امر عملاً می‌تواند به حل معضل رفتار متقابل بینجامد. دوم آن‌که، پیش‌بینی حق شرط‌ها و استناد به نظم عمومی در چنین اسنادی، همچنان امکان صیانت از مصالح حاکمیتی کشور را تضمین می‌کند. ازاین‌رو، تصویب کنوانسیون لاهه ۲۰۱۹ در ایران، در میان‌مدت و بلندمدت، افزون بر آثار اقتصادی و سیاسی مثبت، می‌تواند با کاستن از هزینه معاملات و دادخواهی فرامرزی، قابلیت اجرای احکام دادگاه‌های ایرانی را در خارج از کشور افزایش دهد و جایگاه ایران را به‌عنوان

شناسایی آرای ایرانی در خارج، چندان کارآمد نیست؛ ازاین‌رو، علاوه بر تعدیل شرط رفتار متقابل، راهکار مکمل دیگری که می‌تواند در هماهنگ‌سازی قواعد اجرای احکام خارجی به کار آید، پیوستن به معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی است. در نظام‌های حقوقی پیشرفته، گرایش غالب بر جایگزینی رفتار متقابل یک‌جانبه با موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه است (Juenger, 1988: 48)؛ چراکه این موافقت‌نامه‌ها الزاماتی تعهدآور برای شناسایی و اجرای متقابل احکام ایجاد می‌کنند و به همه طرف‌ها اطمینان می‌دهند که آرای دادگاه‌هایشان در کشور مقابل به‌رسمیت شناخته خواهد شد.

۴٫۲٫۱ پیوستن به کنوانسیون لاهه ۲۰۱۹

در این زمینه، کنوانسیون لاهه ۲۰۱۹ درباره شناسایی و اجرای احکام خارجی در امور مدنی و بازرگانی^۱ را می‌توان یکی از جدیدترین و مهم‌ترین اسناد بین‌المللی دانست که هدف آن یکسان‌سازی مقررات در کشورهای متعاقد است. تجربه موفق کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در حوزه داورى نیز مؤید آن است که عضویت در یک سند فراگیر بین‌المللی تا چه اندازه می‌تواند امنیت قضایی و اعتبار حقوقی کشورها را ارتقا دهد.

این سند در راستای اقدامات سازمان کنفرانس لاهه در زمینه حقوق بین‌الملل خصوصی و با هدف دسترسی مؤثر به عدالت، تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری فرامرزی تنظیم شده است و گامی مهم در حل و فصل اختلافات بین‌المللی در امور مدنی و تجاری به‌شمار می‌رود (اسعدی، ۱۴۰۰: ۸-۹).

بنا بر بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون، دولت‌های متعاقد ملزم‌اند احکام قطعی و لازم‌الاجرای صادره از دادگاه‌های سایر دولت‌های عضو را، بدون ورود در ماهیت پرونده، شناسایی کرده و به اجرا گذارند. از لحاظ شرایط و جهات رد شناسایی و اجرای احکام

¹ Convention of 2 July 2019 on the Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Civil or Commercial Matters.

مرجعی برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی تثبیت کند.

۴,۲,۲ انعقاد موافقتنامه های دو جانبه

علاوه بر ظرفیت اسناد چندجانبه، انعقاد موافقتنامه‌های قضایی دوجانبه با کشورهایی که از سطح تعامل اقتصادی گسترده‌ای با ایران برخوردارند، می‌تواند تضمینی مؤثر برای شناسایی و اجرای متقابل آرای دادگاه‌های دو طرف فراهم آورد. افزون بر این، بررسی سیر تحولات معاهدات دوجانبه منعقدشده میان ایران و دیگر کشورها حاکی از آن است که در طی سال‌های اخیر، نقش عملی شرط رفتار متقابل به تدریج رو به کاهش نهاده است. بر پایه گزارش‌های موجود از مراجع ذیصلاح در قوه قضائیه و وزارت دادگستری، در چند دهه گذشته، ایران موفق به انعقاد شمار قابل توجهی از معاهدات دوجانبه در حوزه همکاری‌های حقوقی و قضایی، به‌ویژه «شناسایی و اجرای متقابل احکام» با کشورهای نظیر کویت، ترکیه، روسیه، امارات متحده عربی، عراق، اوکراین شده است (شریعت باقری، ۱۳۹۷: ۹۱-۲۹۵).

مطالعه مفاد این اسناد بیانگر آن است که شروط مرتبط با پذیرش و اجرای آرای قضایی به‌گونه‌ای تصریح شده‌اند که نیاز به احراز رفتار متقابل را در مقام عمل یا منتفی می‌سازند و یا آن را در حدی محدود می‌کنند که مانعی برای شناسایی و اجرای احکام خارجی پدید نیاید. بدین ترتیب، دادگاه‌های ایران در روابط با دولت‌های طرف معاهده ناگزیر از عبور از فرایند پیچیده اثبات رفتار متقابل نبوده و به همین سبب، بخش قابل توجهی از هزینه‌ها و اطاله‌های دادرسی مربوط به بند ۱ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی کاسته می‌شود.

این روند نشان می‌دهد که اتکا به معاهدات دوجانبه، در کنار سایر ابزارهای حقوق بین‌الملل خصوصی، در بلندمدت می‌تواند به‌مثابه سازوکاری منسجم و کارآمد عمل کند و در نتیجه، با ارتقای امنیت حقوقی، مسیر جذب سرمایه و توسعه مراودات تجاری در سطح بین‌المللی را هموار سازد.

با وجود این، علیرغم انعطاف‌پذیری و هدمندی چنین رویکردی، تکثر چشمگیر معاهدات دوجانبه ممکن است گاه به تعارض مقررات منجر شود. از این رو، اسنادی همچون کنوانسیون لاهه ۲۰۱۹ در صورتی که مورد استقبال و پذیرش گسترده کشورها قرار گیرد، می‌تواند چارچوبی پایدارتر و هماهنگ‌تر برای یکسان‌سازی مقررات مربوط به اجرای احکام خارجی ارائه دهند.

۵ نتیجه

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که «شرط رفتار متقابل» در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران، با وجود آنکه در ظاهر ابزاری برای اعمال فشار یا ترغیب دولت‌های خارجی به شناسایی و اجرای احکام ایرانی محسوب می‌شود، در عمل تأثیرگذاری قابل توجهی بر تغییر رویه قضایی آن‌ها ندارد. بررسی مصادیق تاریخی نظیر «پرونده زلزله سانفرانسیسکو» و «پرونده مونزر در فرانسه» بیانگر آن است که الزام دولت‌های خارجی برای پذیرش احکام ایرانی، بیشتر تحت تأثیر انگیزه‌های اقتصادی، سیاسی و سیاست‌های کلان تجاری صورت گرفته تا شرط رفتار متقابل به‌عنوان یک قاعده صرفاً ملی. علاوه بر این، هزینه‌های اثبات رفتار متقابل و طولانی‌شدن فرایند رسیدگی، نه تنها به اعتماد فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران خارجی لطمه می‌زند، بلکه کارآمدی نظام قضایی ایران را نیز در عرصه بین‌المللی تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد.

با این حال، دست کشیدن مطلق از شرط رفتار متقابل ممکن است در برابر کشورهایی که به‌طور سیستماتیک از اجرای آرای ایرانی امتناع می‌کنند، توان مقابله به‌مثل را تضعیف کند. بنابراین، رویکرد پیشنهادی آن است که به تعدیل این شرط پرداخته و شرط رفتار متقابل به‌شکل مضیق و در موارد محدود اعمال شود؛ به‌نحوی که دادگاه‌های ایرانی تنها در موارد احراز «تبعیض آشکار یا امتناع فراگیر» نسبت به شناسایی آرای ایران، نسبت به اجرای احکام آن کشور واکنشی محدودکننده اتخاذ نمایند.



پیچیده رفتار متقابل، جایگاه دستگاه قضایی ایران را در صحنه جهانی ارتقا دهد. حذف نیاز به اثبات رفتار متقابل و قرارگرفتن در قالب یک سند تعهدآور چندجانبه، نه تنها امنیت قضایی و حقوقی فعالان بین‌المللی را افزایش می‌دهد، بلکه از طریق ارتقای اطمینان و پیش‌بینی‌پذیری، بستر ورود سرمایه‌های خارجی و گسترش مبادلات تجاری را نیز فراهم می‌سازد.

از این رو، جمع‌بندی این پژوهش حاکی از آن است که «تعدیل» شرط رفتار متقابل در کنار بهره‌گیری از سازوکارهای بین‌المللی، روش معقول‌تری برای تقویت جایگاه حقوقی ایران و صیانت از منافع ملی محسوب می‌شود.

در غیر این صورت، اصل بر تسهیل اجرای آرای خارجی و وجود رفتار متقابل گذاشته شود تا موجبات افزایش اطمینان سرمایه‌گذاران و کنشگران تجاری فراهم آید.

افزون بر این، اتکای صرف به شرط رفتار متقابل در قانون ملی برای تغییر نگرش سایر کشورها، در بلندمدت روش مطمئنی نیست. از این رو، امضای معاهدات دوجانبه یا چندجانبه و عضویت در اسناد مهم بین‌المللی، نه تنها از نظر حقوقی بلکه از جنبه‌های اقتصادی و سیاسی نیز به سود ایران خواهد بود. در همین چارچوب، راهبرد «پیوستن ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی» - به‌ویژه کنوانسیون لاهه ۲۰۱۹ در خصوص شناسایی و اجرای احکام دادگاهی - می‌تواند با برطرف کردن تشریفات



منابع

- Almasi, N. A. (2005). Private International Law (3rd ed.). Tehran: Mizan Publication. **[In Persian]**
- Asadi, S. H. (2021). Official Interpretation of the Convention on the Enforcement of Foreign Judgments (The Hague 2019). Javadane Publication. **[In Persian]**
- Baumgartner, S. P. (2007). How well do U.S. judgments fare in Europe. SSRN Electronic Journal. Retrieved from https://papers.ssrn.com/sol3/Delivery.cfm/SSRN_ID1022680_code407582.pdf?abstractid=1022680&mirid=1
- Behr, V. (1994). Enforcement of United States money judgments in Germany. *Journal of Law and Commerce*, 13(2).
- Borenus Legal Alerts. (2021, January 14). Post-Brexit recognition and enforcement of English judgments in Finland. Retrieved from <https://www.borenus.com/legal-alerts/2021/01/14/post-brexit-recognition-and-enforcement-of-english-judgments-in-finland/>
- Childs, L. B. (2006). Shaky foundations: Criticism of reciprocity and the distinction between public and private international law. *New York Journal of International Law and Politics*, 38, 1895.
- Coyle, J. F. (2014). Rethinking judgments reciprocity. *North Carolina Law Review*, 92(4).
- Cuniberti, G. (2020). Signalling the enforceability of the forum's judgments abroad. University of Luxembourg Law Working Paper No. 2020-011.
- Elbalti, B. (2008). The role of the reciprocity requirement in the harmonization of standards for the recognition and enforcement of foreign judgments. *Faculté des sciences juridiques, politiques et sociales de Tunis - Mastère en Common Law*.
- Elbalti, B. (2017). Reciprocity and the recognition and enforcement of foreign judgments: A lot of bark but not much bite. *Journal of Private International Law*, 13(1), 184-218. DOI: 10.1080/17441048.2017.1304546.
- Epstein, M. P. (2014). Comity concerns are no joke: Recognition of foreign judgments under dormant foreign affairs preemption. *Fordham Law Review*, 82(5). Retrieved from <https://ir.lawnet.fordham.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=4986&context=fldr>.
- Garner, B. A. (2014). *Black's Law Dictionary* (10th ed.). Retrieved from http://www.lawnb.edu/content/image/tr_promotion/Black'sLaw10th_20140502.pdf.



- Gide Loyrette Nouel. (2021). Entry into force and UK's accession to the Hague Convention 2019: A storm in a teacup. Retrieved from <https://www.gide.com/en/actualites/entry-into-force-and-uks-accession-to-the-hague-convention-2019-a-storm-in-a-teacup>
- Hartley, T. C. (2013). Choice-of-court agreements under the European and international instruments: The revised Brussels I regulation, the Lugano Convention, and the Hague Convention. Oxford University Press.
- Hulbert, R. W. (2008). Some thoughts on judgments, reciprocity and the seeming paradox of international commercial arbitration. *University of Pennsylvania Journal of International Economic Law*, 29(3), 641. Retrieved from <https://scholarship.law.upenn.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1169&context=jil>
- Izanloo, M., & Jabbarizadeh, R. (2020). The role of reciprocity in the enforcement of foreign judgments: A comparative/correlational study in the Iranian and the US law. *Legal Research Quarterly*, 22(88), 85-108. Doi: 10.29252/lawresearch.22.88.85. **[In Persian]**
- Juenger, F. K. (1988). The recognition of money judgments in civil and commercial matters. *The American Journal of Comparative Law*, 36(1). Retrieved from <https://www.jstor.org/stable/840183>
- Karimkashi Arani, R. (2011). The conditions of the enforcement of the foreign judgment based on the res judicata. *Private Law*, 8(18), 139-158. **[In Persian]**
- Khodabakhshi, A., Ansari, A., & Kabry, M. (2018). Requirements for enforcement of foreign judgments in Iranian and Egyptian law. *Private Law*, 15(2), 349-372. doi: 10.22059/jolt.2019.258239.1006567
- Maghsoody Pashaki, R. (2022). A comparative study comity and reciprocity in recognition and enforcement of foreign judgments. *Journal of Comparative Law*, 9(1), 211-232. **[In Persian]**
- Martinek, M. (2017). The principle of reciprocity in the recognition and enforcement of foreign judgments – History, presence and ... No future. *Tydskrif Vir Die Suid-Afrikaanse Reg* 2017(1).
- Martiny, D. (1987). Recognition and enforcement of foreign money judgments in the Federal Republic of Germany. *The American Journal of Comparative Law*, 35(4).
- Miller, K. R. (2004). Playground politics: Assessing the wisdom of writing a reciprocity requirement into U.S. international recognition and en-

- forcement law. *Georgetown Journal of International Law*, 35, 239-302.
- Mok, Y.-J. (1989). The principle of reciprocity in the United Nations Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards of 1958. *Case Western Reserve Journal of International Law*, 21(2).
- Mafi, H., & Eshaghi, M. (2023). Obstacles to recognition and enforcement of New York Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (1958) and International Commercial Arbitration Act of Iran (1995). *Journal of Comparative Law*, 7(1), 151-168. **[In Persian]**
- Mondaq. (2021). The new Hague Judgments Convention entered into force. Retrieved from <https://www.mondaq.com/trials--appeals--compensation/1362946/the-new-hague-judgments-convention-entered-into-force>
- Nadelmann, K. H. (1957). Non-recognition of American money judgments abroad and what to do about it. *Iowa Law Review*, 42, 236-257.
- Nasiri, M. (2006). *Private International Law (General Principles, Citizenship, Residence)*. Aghah Publication. **[In Persian]**
- Partnoy, F. (2000). Why markets crash and what law can do about it. *SSRN Electronic Journal*.
<https://doi.org/10.2139/ssrn.183473>.
- Pournouri, M. (2004). Recognition and enforcement of foreign court judgments in Iran. *Bar Association Journal*, (186-187), 78-91. **[In Persian]**
- Reese, W. L. M. (1950). The status in this country of judgments rendered abroad. *Columbia Law Review*, 50(6), 783.
<https://doi.org/10.2307/1118655>.
- Röder, T. J. (2012). *From Industrial to Legal Standardization, 1871-1914: Transnational Insurance Law and the Great San Francisco Earthquake*. Martinus Nijhoff Publishers.
- Roodt, C. (2004). Recognition and enforcement of foreign judgments: Still a Hobson's choice among competing theories? *The Comparative and International Law Journal of Southern Africa*, 15.
<https://doi.org/23252194>
- Saneian, A. (2023). *Private International Law*. Samt. **[In Persian]**
- Seljuqi, M. (2023). *Private International Law*. Mizan Legal Foundation, Volume 2. **[In Persian]**
- Shariat-Baqeri, M. J. (Ed.). (2018). *Legal and Judicial Cooperation Agreements Between the Government of Iran and Other States: Legal and Judicial Assistance (2nd ed.)*. Tehran, Iran:



- University of Judicial Sciences and Administrative Services **[In Persian]**
- Shiravi, A. H. (2018). International trade law (13th ed.). Samt. **[In Persian]**
- Singal, V. (2008). Preserving power without sacrificing justice: Creating an effective reciprocity regime for the recognition and enforcement of foreign judgments. *Hastings Law Journal*, 59(4).
- Stevens, S. L. (2002). Commanding international judicial respect: Reciprocity and the recognition and enforcement of foreign judgments. *Hastings International and Comparative Law Review*, 26(1), 115.
- Taghipour Darzi Naghibi, M., & Soleimani Andarvar, A. (2022). Comparative study of the recognition and enforcement of foreign court judgments in The Hague Convention Judgments 2019 and Iranian law. *Comparative Law Review*, 13(2), 493-514. doi: 10.22059/jcl.2022.341588.634343 **[In Persian]**
- Taghvaei, E. (1974). Enforcement of foreign judgments in Iran. *People's Rights*, (35-36), 36-38. **[In Persian]**
- Von Mehren, A. T., & Trautman, D. T. (1968). Recognition of foreign adjudications: A survey and a suggested approach. *Harvard Law Review*, 81(8).
<https://doi.org/10.2307/1339492>.
- Wurmnest, W. (2005). Recognition and enforcement of U.S. money judgments in Germany. *Berkeley Journal of International Law*, 23(1).
<https://doi.org/10.15779/z38fh21>.
- Yong Pung How, (2021). The changing global landscape for foreign judgments. Professorship of Law Lecture, Yong Pung How School of Law
- Zeynalova, Y. (2013). The law on recognition and enforcement of foreign judgments: Is it broken and how do we fix it? *Berkeley Journal of International Law*, 31(1),
<https://doi.org/10.15779/Z382H27>
- Yamauchi, K. D. (2007). Should reciprocity be a part of the UNCITRAL Model Cross-Border Insolvency Law? *International Insolvency Review*, 16(3), 145-179. Retrieved from
<https://doi.org/10.1002/iir.151>